



University of Tehran press

## A Comparative Study of the Coding of Deictic Verbs and Expressions and Their Interactive Nature in the Persian Language by Analyzing "The Frog Story" and "Alice in Wonderland" and a Series of Video Clips



**Ali Jamali** ✉ 0000-0003-0882-797X

Department of English Language and Literature, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Email: [jamaaliali9@gmail.com](mailto:jamaaliali9@gmail.com)



**Fatemeh Bashiri** \*\* 0009-0005-0532-1318

Department of English Language and Literature, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

Email: [khf.bashiri@yahoo.com](mailto:khf.bashiri@yahoo.com)

### ABSTRACT

As stated by Matsumoto and Kawachi (2017), deixis is actually a line of a path in addition to a specific ground (i.e. the speaker) and for this reason, it is conceptually different from a path of motion. Indeed, deictic expressions exhibit a distinct set of behaviors from directional expressions (e.g., Up in English), line of path (e.g., TO), or trajectory plus conformation (e.g., INTO), and therefore deserve separate studies. In this article, we are going to examine deictic verbs and expressions in Persian language. For this purpose, after examining the lexicalization pattern of Persian, which is generally based on the analysis of *The Frog Story* (Mayer, 1969) and the Persian translation of the novel *Alice in Wonderland* (Carroll, 1865), we will evaluate how deictic expressions are coded in Persian in comparison with English, Japanese and Thai languages (Matsumoto et al., 2017), and if these items are interactive in nature in addition to the spatial role as reported by Matsumoto et al. (2017) regarding these components. As results show, in Persian language these expressions are also used functionally and interactively in addition to the spatial role they play. In other words, speakers of Persian language use these components more frequently when the movement is not only towards the speaker (spatial direction) but also in his area which is defined by the limits of visibility and interaction, and also when the movement is accompanied by an interactive behavior such as greeting at the speaker. These findings are in line with the results of Akita and Matsumoto (2017). However, in the Persian language, as in other investigated languages, the interactivity of the motion event does not have much effect on the encoding of the deictic concept in prepositions, which indicates that the deictic concept is largely lexicalized in the verb stem of "coming" and "going" in Persian language and not auxiliary components such as prepositions and other verb components. Therefore, the auxiliary components along with deictic verbs and other verb components play a mere spatial-locative role or give information about the manner of motion.

### ARTICLE INFO

Article history:  
Received: 16 April 2024  
Received in revised form  
28 June 2024  
Accepted: 29 June 2024  
Available online:  
Summer 2024

### Keywords:

*E-Learning, German vocabulary, Educational website, Deutsche Welle, Deutsch.Info.*

Jamali, A. & Bashiri, F. (2024). A comparative study of the coding of deictic verbs and expressions and their interactive nature in the Persian language by analyzing "The Frog Story" and "Alice in Wonderland" and a series of video clips. *Journal of Foreign Language Research*, 14 (2), 253-268. <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.375102.1121>

© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.



DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2024.375102.1121>

✉\* " Dr Ali Jamali is an assistant professor in English Literature. He authored several papers in International and National Journals. He has taught Graduate Courses and has supervised several Doctoral Dissertations. His research interests are Literary Criticism, Shakespeare Studies, Narrative Theory, Comparative Studies and Linguistics.

\*\* She is a Ph.D student in Linguistics at Islamic Azad University, Ilam branch and works part-time there at the same time, She is an official teacher of education. Her master's degree is English language teaching and so far he has taught linguistics and language teaching courses at different levels.



## بررسی تطبیقی رمزگذاری افعال و عبارات اشاره‌ای و ماهیت تعاملی آن‌ها در زبان فارسی با تحلیل روایات «داستان قورباغه» و «آلیس در سرزمین عجایب» و یک مجموعه فیلم کوتاه

علی جمالی\*

ORCID ID: 0000-0003-0882-797X

گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

Email: jamaaliali9@gmail.com

فاطمه بشیری\*\*

ORCID ID: 0009-0005-0532-1318

گروه زبان شناسی همگانی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

Email: khf.bashiri@yahoo.com



### چکیده

آن‌گونه که ماسوموتو و کواجی (۲۰۱۷) اظهار داشته‌اند، اشاره<sup>۱</sup> در واقع یک خط مسیر<sup>۱</sup> به‌اضافه یک زمینه<sup>۱</sup> مشخص (یعنی گوینده) است و از این جهت از نظر مفهومی با مسیر حرکت<sup>۱</sup> متفاوت است. در واقع، عبارات اشاره‌ای مجموعه‌ای از رفتارهای متمایز از عبارات چیتی (به‌عنوان مثال، Up در انگلیسی)، خط مسیر (به‌عنوان مثال، TO)، یا خط سیر به‌اضافه انطباق<sup>۱</sup> (به‌عنوان مثال، INTO) را نشان می‌دهند و بنابراین درخور مطالعات جداگانه‌ای می‌باشند. در این مقاله بر آئیم تا افعال و عبارات اشاره‌ای<sup>۱</sup> را در زبان فارسی مورد بررسی قرار دهیم. به این منظور، پس از بررسی الگوی واژگانی شدگی در فارسی که عموماً مبتنی بر تحلیل داستان تصویری قورباغه (بهیر، ۱۹۶۹) و ترجمه فارسی رمان آلیس در سرزمین عجایب (کارول، ۱۸۶۵) است، بررسی خواهیم کرد که عبارات اشاره‌ای در مقایسه با زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و تایلندی (ماسوموتو و همکاران، ۲۰۱۷) به چه صورت در زبان فارسی رمزگذاری می‌شوند و آیا بر اساس فیلم‌های کوتاهی که در این خصوص به‌کارگیری خواهند شد، علاوه بر نقش فضایی‌ای که توسط ماسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) در خصوص این مؤلفه‌ها گزارش شده است، ماهیتی تعاملی نیز دارند یا خیر. آن‌چنان که نتایج این تحقیق نشان می‌دهند، در زبان فارسی نیز این عبارات علاوه بر نقش فضایی، به‌صورت نقشی و تعاملی نیز به کار گرفته می‌شوند. به بیانی دیگر سخنوران زبان فارسی هنگامی که حرکت صرفاً به سمت گوینده نباشد (جهت فضایی) و در حیطه او که توسط محدودیت‌های قابل‌رویت بودن و تعامل تعریف می‌شود نیز باشد و همچنین زمانی که حرکت با یک رفتار تعاملی مانند سلام کردن به گوینده همراه باشد از این افعال اشاره‌ای با بسامد بیشتری استفاده می‌کنند که این موضوع بازتابی در رده‌شناختی بر مطالعه و نتایج آکیتا و ماسوموتو (۲۰۲۰) می‌باشد. با این‌همه در زبان فارسی همانند سایر زبان‌های بررسی شده، تعاملی بودن رویداد حرکتی تأثیر چندانی بر رمزگذاری مفهوم اشاره‌ای در حروف اضافه ندارد، که این موضوع بیانگر این است که مفهوم اشاره‌ای تا حد زیادی در جایگاه ستاک فعلی «آمدن» و «رفتن» زبان فارسی و نه مؤلفه‌های کمکی مانند حروف اضافه و سایر گروه‌های فعلی رمزگذاری می‌شود. بنابراین مؤلفه‌های کمکی همراه افعال اشاره‌ای و سایر گروه‌های فعلی در این زمینه حامل نقش فضایی-سکانی صرف و یا اطلاعاتی در خصوص شیوه حرکت می‌باشند.

### اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸  
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۸  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۹  
تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۳  
نوع مقاله: علمی پژوهشی

### کلید واژگان:

رویداد حرکتی، رده‌شناسی تالمی، اشاره، عبارات اشاره‌ای، نقش تعاملی زبان.

جمالی، علی و. بشیری، فاطمه. (۱۴۰۳). بررسی تطبیقی رمزگذاری افعال و عبارات اشاره‌ای و ماهیت تعاملی آن‌ها در زبان فارسی با تحلیل روایات «داستان قورباغه» و «آلیس در سرزمین عجایب» و یک مجموعه فیلم کوتاه...پژوهشهای زبان‌شناختی در زبانهای خارجی، ۱۴ (۲)، ۲۴۸-۲۵۳.  
DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2024.375102.1121

© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.



DOI: http://doi.org/ 10.22059/jflr.2024.375102.1121

\*دکتر علی جمالی استادیار ادبیات انگلیسی است و چندین مقاله در مجلات بین‌المللی و ملی تألیف کرده است. ایشان ضمن تدریس در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، چندین پایان‌نامه دکتری را راهنمایی کرده است. زمینه‌های پژوهشی ایشان عمدتاً نقد ادبی، مطالعات شکسپیر، نظریه روایت، مطالعات تطبیقی و زبان‌شناسی است.  
\*\*دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام و مدرس حق‌التدریس این دانشگاه و همزمان دبیر رسمی آموزش پرورش است. مقطع ارشد ایشان آموزش زبان انگلیسی می‌باشد و تاکنون دروس زبان‌شناسی و آموزش زبان را در پایه‌های مختلف تدریس نموده است.

## ۱. مقدمه

اثر رده‌شناختی تالمی<sup>۱</sup> (۱۹۸۵ و ۲۰۰۰) الهام بخش بسیاری از تحقیقات در حوزه رویدادهای حرکتی در دو دهه گذشته بوده است. چنین تحقیقاتی تفاوت اصلی بین زبان‌های قمر-قالب<sup>۲</sup> و زبان‌های فعل-قالب<sup>۳</sup> را در رمزگذاری متفاوت آنها درخصوص شیوه حرکت<sup>۴</sup> می‌دانند. در زبان‌های قمر-قالب شیوه حرکت در درون فعل رمزگذاری می‌شود، حال آنکه در زبان‌های فعل-قالب این موضوع اختیاری است. در نتیجه، در این تحقیقات توجه بسیار کمتری به مؤلفه مسیر<sup>۵</sup> شده است، که به عنوان هسته رویداد حرکتی، یا در فعل یا در قمرها رمزگذاری می‌شود. علاوه بر این، پژوهش‌های پیشین غالباً سایر مؤلفه‌های معنایی حرکت (مانند زمینه<sup>۶</sup>، نما<sup>۷</sup>) را که ممکن است در واژگان افعال حرکتی زبان‌های قمر-قالب با فعل و قمر نمود پیدا کنند نادیده انگاشته است، که متعاقباً تحلیل‌های مربوط به این رویدادهای زبانی را دچار تضعیف می‌کند. یکی از مؤلفه‌هایی که چندان مورد توجه افرادی همچون تالمی قرار نگرفته است مفهوم اشاره می‌باشد که با مؤلفه مسیر تفاوت‌هایی دارد.

در این پژوهش قصد داریم تا با تبعیت از ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) و با استفاده از مطالعه آنها به عنوان یک بستر مناسب، افعال و عبارات اشاره‌ای در زبان فارسی را مورد بررسی قرار دهیم. لازم به ذکر است که در این تحقیق از همان ابزار استخراج داده‌ای که توسط ماتسوموتو و همکاران استفاده شده است بهره خواهیم برد، تا از این طریق قادر باشیم نتایج تحقیق خود را در هر مرحله با نتایج آنها در خصوص زبان ژاپنی، انگلیسی و تایلندی مقایسه کنیم. این راهکار به ما امکان می‌دهد تا وضعیت و جایگاه زبان فارسی را در بین سایر زبان‌ها تعیین نمائیم. سؤالات تحقیق حاضر به قرار زیر می‌باشند:

۱. از نظر زبانی، افعال اشاره‌ای چگونه در فارسی رمزگذاری می‌شوند؟ آیا افعال اشاره‌ای با سایر اجزای مسیر در این زبان رمزگذاری می‌شوند؟

۲. آیا افعال اشاره‌ای در فارسی علاوه بر معنای مکانی، معنای کاربردی نیز دارند؟

۳. فراوانی استفاده از افعال اشاره‌ای تا چه حد تحت تأثیر عوامل عملکردی و رفتارهای تعاملی نما در فارسی است؟

## ۲. چهارچوب نظری تحقیق

طبق نظر تالمی (۲۰۰۰)، اجزای مسیر انواع مختلفی دارند که عبارتند از خط مسیر یا بردار، انطباق و اشاره. خط مسیر به مسیر حرکت که از یک مبدأ (FROM) آغاز گشته و به یک هدف (TO)، یا مسیری در بین راه (VIA) منتهی می‌شود، اشاره دارد. این مؤلفه‌ها «سه نوع اساسی رسیدن (به یک هدف)، پیمایش (یک مسیر) و جدا شدن (از یک مبدأ) را شامل می‌شوند» که یک نما می‌تواند با توجه به یک زمینه خاص اجرا کند (تالمی ۲۰۰۰: ۵۳).

مسیر حرکت می‌تواند از نظر معنایی پیچیده باشد، و شامل یک خط سیر به علاوه مؤلفه دیگری به نام انطباق (به عنوان مثال IN، ON) باشد که نشان‌دهنده رابطه فضایی بین نما و زمینه است. حرف اضافه into در زبان انگلیسی نشان می‌دهد که هدف حرکت در داخل زمینه است. بنابراین، مسیر پیچیده into به لحاظ مفهومی دارای دو جزء معنایی است که می‌توان آنها را به صورت TO و IN نشان داد (ر.ک. بنت<sup>۸</sup> ۱۹۷۵؛ جکندوف<sup>۹</sup> ۱۹۸۳؛ زلاتو<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۷) که اولین مؤلفه یک خط مسیر و دومی یک انطباق را رمزگذاری می‌کند. مؤلفه اشاره مسیر ارتباط با مرکز اشاره‌ای را مشخص می‌کند که معمولاً مکان گوینده است. مقوله‌های اشاره‌ای شامل HITHER و THITHER هستند، یعنی «به سمت مرکز اشاره‌ای» و «در خلاف جهت مرکز اشاره‌ای».

در واقع، عبارات اشاره‌ای مجموعه‌ای از رفتارهای متمایز از عبارات جهتی (به عنوان مثال، UP)، خط مسیر (به عنوان مثال، TO)، یا خط مسیر به اضافه انطباق (به عنوان مثال، INTO) را نشان می‌دهند. نخست، از نظر الگوی واژگانی شدگی تفاوت‌هایی بین مسیر و مفهوم اشاره وجود دارد، به این معنا که افعال

<sup>6</sup> Ground

<sup>7</sup> Figure

<sup>8</sup> Bennett

<sup>9</sup> Jackendoff

<sup>10</sup> Zlatev

<sup>1</sup> Talmy

<sup>2</sup> Satellite-framed

<sup>3</sup> Verb-framed

<sup>4</sup> Manner of motion

<sup>5</sup> Path

اشاره‌ای بسیار بنیادی‌تر بوده و حتی در زبان‌هایی یافت می‌شوند که مجموعه ضعیفی از افعال مسیر دارند (مانند آلمانی، انگلیسی؛ ورکرک<sup>۱۱</sup> ۲۰۱۴؛ والچلی و سولینگ<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۳). دوم، اشاره اغلب دارای ساختار ساخت‌واژی خاص خود است (کوگا<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۷؛ ماتسوموتو<sup>۱۴</sup> ۲۰۱۷ و ۲۰۱۳). برای مثال، در زبان ژاپنی و کره‌ای، یک مجموعه فعلی که ممکن است حداکثر از سه فعل تشکیل شده باشد و به ترتیب خاصی از شیوه-مسیر-اشاره مرتب شده‌اند، مانند hasit-te de-te ku-ru در ژاپنی که معادل come-npst) run-conj exit-conj ( در انگلیسی می‌باشد، وجود دارد. اشاره در افعال سریالی مانند تایلندی جایگاه خاصی را اشغال می‌کند (تیبیکانجانا<sup>۱۴</sup> ۱۹۸۶؛ زلاتو و یانگلنگ<sup>۱۵</sup> ۲۰۰۴؛ تاکاهاشی<sup>۱۶</sup> ۲۰۱۷). در زبان‌های دیگر، اشاره به صورت وند فعلی نشان داده می‌شود. در این مورد خاص اغلب یک جایگاه متمایز از سایر مقوله‌های مسیر برای مفهوم اشاره در نظر گرفته می‌شود، که می‌توان به زبان‌هایی مانند آلمانی (مانند دول<sup>۱۷</sup> ۲۰۱۵)، جاکلتک<sup>۱۸</sup> (کریگ<sup>۱۹</sup> ۱۹۹۳) و کوپسایپینی<sup>۲۰</sup> (کاواچی<sup>۲۱</sup> ۲۰۱۴) اشاره نمود. ثالثاً، به نظر می‌رسد تعداد دفعات رمزگذاری اشاره در گفتمان از زبانی به زبان دیگر متفاوت است، به نحوی که با تعداد دفعات بیان مسیر در زبان‌های مختلف ارتباطی ندارد. کوگا (۲۰۱۷) استدلال می‌کند که آلمانی و ژاپنی اشاره-برجسته<sup>۲۲</sup> هستند، درحالی‌که روسی و فرانسوی چنین نیستند (توجه داشته باشید که آلمانی و روسی از نظر مسیر غنی هستند درحالی‌که ژاپنی و فرانسوی این گونه نیستند). همه اینها ممکن است نشان دهد که در مورد رمزگذاری اشاره در میان سایر مقوله‌های مختلف مسیر مواردی وجود داشته که تاکنون ناشناخته باقی مانده‌اند.

### ۳. پیشینه تحقیق

توجه به مفهوم اشاره در عبارات حرکتی در واقع با کار مهمی در انگلیسی در دهه ۱۹۷۰ توسط چارلز فیلمور<sup>۲۳</sup> آغاز شد که وی در آن اثر افعال حرکتی اشاره‌ای را از سایر افعال حرکتی متمایز کرد. با این حال، قبل از اینکه نظریه وی به پختگی لازم برسد، جایگاه ویژه اشاره در جریان رویکردهای رده‌شناختی که در دهه ۱۹۸۰ مطرح گردیدند، نادیده گرفته شد.

اخیراً، ماتسوموتو (۲۰۱۷، ۲۰۱۸) تلاش کرده است طبقه‌بندی عبارات حرکتی را اصلاح کند و استدلال کرده است که اشاره می‌تواند متفاوت از سایر اجزای مسیر تالمی رمزگذاری شود. سه ایده اصلی پیشنهادیه او را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. رمزگذاری مسیر می‌تواند به یکی از دو شکل زیر صورت گیرد (در زبانی که یک هسته در یک بند دارد):

الف. هسته یا ریشه فعل اصلی

ب. عناصر بیرون از هسته یا هر عنصری خارج از ریشه اصلی فعل (مثلاً وندهای فعلی، اضافه‌ها، نشانگرهای حالت<sup>۲۴</sup>)

۲. جایگاه رمزگذاری مسیر به ماهیت حرکت بستگی دارد که می‌توان آن را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

الف. خود-حرکتی

ب. حرکت سببی

I. نوع هم‌حرکتی

II. پرتابه‌ای

III. کنترل شده

ج. حرکت خیالی در امتداد مسیر تابشی<sup>۲۵</sup>

۳. اشاره می‌تواند متفاوت از سایر اجزای مسیر تالمی رفتار کند. در خصوص رمزگذاری مسیر در قالب هسته یا عناصر بیرون از هسته، ماتسوموتو (۲۰۱۷) از تکیه بر تعریف تالمی از قمرها که «قمر را یک مقوله دستوری می‌داند که در رابطه خواهری با ریشه فعل می‌باشد» اجتناب می‌کند (تالمی ۲۰۰۰: ۱۰۲). ماتسوموتو علاوه بر دسته‌بندی رویدادهای حرکتی به سه نوع اصلی (یعنی خود حرکتی، حرکت سببی و حرکت انتزاعی یا تابشی)، حرکت را به سه زیرگروه (یعنی هم‌حرکتی، پرتابه‌ای و کنترل شده)

<sup>19</sup> Craig

<sup>20</sup> Kupsapiny

<sup>21</sup> Kawachi

<sup>22</sup> Deixis-salient

<sup>23</sup> Charles Fillmore

<sup>24</sup> Case markers

<sup>25</sup> Emanation path

<sup>11</sup> Verkerk

<sup>12</sup> Wälchli & Sölling

<sup>13</sup> Koga

<sup>14</sup> Thepkanjana

<sup>15</sup> Zlatev and Yangklang

<sup>16</sup> Takahashi

<sup>17</sup> Dewell

<sup>18</sup> Jakalteck

تقسیم می‌کند که با توجه به دخالت کنشگر<sup>۲۶</sup> در رویداد سببی با یکدیگر تمایز پیدا می‌کنند. یک تمایز این است که آیا کنشگر حرکت می‌کند یا نه. هنگامی که کنشگر به‌طور هم‌زمان همراه با نما (شیء جابجا شده) به سوی یک مکان (هدف) حرکت می‌کند، نمونه‌ای از رخدادهای هم‌حرکتی سببی رخ داده است. در مقابل، زمانی که خود کنشگر حرکت نمی‌کند، اما به نما انگیزه حرکت می‌دهد، نمونه‌ای از رخدادهای کنترل‌شده پرتابه‌ای اتفاق افتاده است. هنگامی که کنشگر حرکت نمی‌کند اما از بخشی از بدن خود برای حرکت نما به مکانی که به‌لحاظ فیزیکی در دسترس باشد، استفاده کند، نمونه‌ای از رخدادهای کنترل‌شده سببی رخ داده است. آن‌گونه که **ماتسوموتو (۲۰۱۷)** توضیح می‌دهد در حرکت تابشی (مانند *او به داخل خانه نگاه کرد*)، نما در هیچ موضوع فعلی<sup>۲۷</sup> بیان نمی‌شود. این نوع ساختار معمولاً برای به تصویر کشیدن حرکت استعاری بصری، گفتار و سایر موارد مشابه استفاده می‌شود. هرچند این مؤلفه به‌اندازه دو مورد دیگر رایج نیست و تنها یک زیرگروه از عبارات حرکتی خیالی یا غیرواقعی محسوب می‌شود (**بلومبرگ<sup>۲۸</sup> ۲۰۱۴**)، اما به‌لحاظ اینکه نما را به شکل بسیار متفاوتی نشان می‌دهد حائز اهمیت است. در نهایت، **ماتسوموتو** استدلال می‌کند که اشاره را می‌توان به روشی متفاوت از سایر مفاهیم مسیر **تالمی** رمزگذاری کرد.

در همین رابطه می‌توان به پژوهشی که توسط **اگوچی<sup>۲۹</sup> (۲۰۱۷)** صورت گرفته است اشاره نمود. وی بررسی می‌کند که چگونه مفاهیم اشاره‌ای در توصیف رویدادهای حرکتی مجارستانی بیان می‌شوند. مجارستانی یکی از زبان‌هایی است که در آن مسیر در قمرها و دیگر «عناصر هسته‌بیرونی» بیان می‌شود (یعنی عناصر خارج از ریشه فعل اصلی). با این حال، اگرچه اغلب اشاره به‌عنوان یک جزء از مسیر در نظر گرفته می‌شود، اما نحوه رمزگذاری آن در این زبان متفاوت است (**تالمی ۲۰۰۰**). اشاره در مجارستانی به روش‌های متنوعی، متفاوت از مفاهیم مسیر غیراشاره‌ای **تالمی** (مانند UP، INTO)، بیان می‌شود. به‌طور مشخص می‌توان این مؤلفه را در ریشه فعل اصلی، جایی که شیوه نیز بیان کرد، یا خارج از رمزگذاری نمود. علاوه بر این، عناصر اشاره‌ای مختلف می‌توانند هم‌زمان رخ دهند، و یک مفهوم (به ظاهر) یکسان را می‌توان در بیش از یک جایگاه در یک بند مشخص کرد. **اگوچی** در این

تحقیق انواع محدودیت‌هایی را که برای استفاده از هر نوع عبارت اشاره‌ای اعمال می‌شود، مورد بحث قرار می‌دهد و شرایطی را بررسی می‌کند که تحت آن عبارات اشاره‌ای برای توصیف خودحرکتی، حرکت سببی و حرکت خیالی بصری انتخاب می‌شوند. پژوهش دیگر که در این تحقیق به‌عنوان بستری برای مقایسه‌های بین‌زبانی مورد استفاده قرار می‌گیرد پژوهش **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** می‌باشد. آنها در این تحقیق داده‌های گردآوری شده بر اساس یک مجموعه کلیپ را در خصوص زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و تایلندی مورد بررسی قرار می‌دهند و ادعا می‌کنند که افعال اشاره‌ای نه تنها فضایی، بلکه ماهیت کاربردی نیز دارند. به عبارت دیگر، زمانی که حرکت نه تنها به سمت گوینده بلکه در فضای عملکردی او که با محدودیت‌های تعامل و مرئی بودن مشخص می‌شود باشد، افعال اشاره‌ای مانند *come* در انگلیسی بیشتر در توصیف شفاهی شرکت‌کنندگان استفاده می‌شوند. همچنین مشخص شده است زمانی که حرکت با رفتار تعاملی نما مانند سلام کردن یا *لبخند زدن* به گوینده همراه باشد نیز این فراوانی افزایش می‌یابد. در این رابطه **کریمی‌پور و شریفی<sup>۳۰</sup> (۲۰۲۱)** نیز با مقایسه نتایج خود با تحقیق **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** در خصوص رمزگذاری مسیر اشاره‌ای در کردی ایلامی نشان می‌دهند که در این گویش افعال اشاره‌ای می‌توانند فراتر از نقش فضایی صرف عمل کرده و کارکرد نقشی نیز داشته باشند. نکته جالب توجه در این تحقیق این است که آن‌ها ادعا می‌کنند که حروف اضافه اشاره‌ای که در این گویش مورد استفاده قرار می‌گیرد نه تنها به مفهوم اشاره‌ای (فضایی و مکانی) فعل اصلی کمک می‌نمایند، بلکه می‌توانند در نقش تعاملی زبان نیز ایفای نقش کنند و مفهوم نزدیک شدن هرچه بیشتر به نما را به معنای رخداد حرکتی اضافه نمایند که از این حیث با زبان‌های ژاپنی، انگلیسی و تایلندی متفاوت است. آن‌ها این تفاوت را چنین تبیین می‌کنند که زبان‌های علاوه بر پیروی از الگوهای رده‌شناختی جهان‌شمول می‌توانند تفاوت‌های بین-زبانی خود را نیز داشته باشند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در زبان فارسی راه‌های مختلفی برای رمزگذاری مسیر حرکت وجود دارد که در این قسمت به برخی از آن‌ها که غالباً با استفاده از روایات داستان قورباغه\* (**مهیر، ۱۹۶۹**) و آلیس در سرزمین عجایب (**کارول، ۱۸۶۵**) شناسایی شده‌اند می‌پردازیم.

<sup>29</sup> Eguchi

<sup>30</sup> Karimipour & Sharifi

<sup>26</sup> Agent

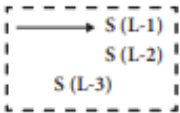
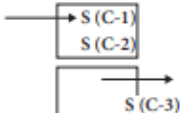
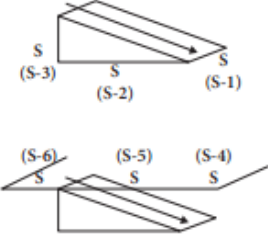
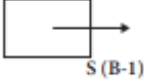
<sup>27</sup> Verb argument

<sup>28</sup> Blomberg



با پیروی از ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) و همچنین کریمی پور و شریفی (۲۰۲۱) که برای بررسی موضوع از دوازده مشارکت‌کننده ژاپنی و دوازده مشارکت‌کننده انگلیسی بهره گرفته بودند ما نیز در این تحقیق دوازده شرکت‌کننده فارسی‌زبان را برای این آزمون انتخاب نمودیم. در این تحقیق، چندین معیار برای به کارگیری شرکت‌کنندگان در نظر گرفته شده است که بر اساس آن صرفاً آن دسته از گویندگان شرکت داده شده‌اند که: (۱) سخنوران فارسی‌زبان باشند، (۲) از فارسی در مکالمات روزانه خود استفاده کنند و (۳) کل زندگی خود را در مناطق فارسی‌زبان سپری کرده باشند. با انجام این کار، اطمینان حاصل خواهیم کرد که داده‌های استخراج شده در واقع منعکس‌کننده ویژگی‌های مورد نظر برای ارزیابی‌های بیشتر است.

۴-۱-۲- ابزار استخراج داده‌ها و روند انجام آزمون همان‌طور که قبلاً گفته شد، آزمایش با استفاده از مجموعه‌ای از کلیپ‌های ویدئویی (N= 26) که حرکات مختلف را به تصویر می‌کشند و با استفاده از لپ‌تاپ انجام خواهد شد (ماتسوموتو و همکاران، ۲۰۱۷). از آنجایی که محرک‌های ویدئویی اصلی مورد استفاده در آن تحقیق برای استفاده عمومی در دسترس نمی‌باشند، صحنه‌های مورد استفاده در این آزمایش بر اساس توصیف و طبقه‌بندی ارائه شده در ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) تکرار می‌شوند. صحنه‌های مربوط به همه کلیپ‌ها در جدول زیر قابل مشاهده می‌باشد:

جدول ۱. مجموعه فیلم‌های کوتاه به کار رفته در تحقیق	
	چمن (فضای باز): <sup>۳۱</sup> L حرکت به سمت گوینده L-1 <sup>۳۲</sup> حرکت خلاف جهت گوینده L-2 <sup>۳۳</sup> حرکت در جلوی گوینده L-3 <sup>۳۴</sup>
	کلاس: <sup>۳۵</sup> C حرکت به داخل کلاس به سمت گوینده C-1 <sup>۳۶</sup> حرکت به داخل کلاس خلاف جهت گوینده C-2 <sup>۳۷</sup> حرکت به خارج از کلاس در جلوی گوینده (که در کنار یک در دیگر است) C-3 <sup>۳۸</sup>
	پله خارج از ساختمان: <sup>۳۹</sup> S حرکت در سطح گوینده به سمت گوینده S-1 <sup>۴۰</sup> حرکت در سطح گوینده در جلوی گوینده S-2 <sup>۴۱</sup> حرکت در سطح گوینده به دور از گوینده S-3 <sup>۴۲</sup> حرکت در یک سطح دیگر به سوی گوینده S-4 <sup>۴۳</sup> حرکت در یک سطح دیگر در جلوی گوینده S-5 <sup>۴۴</sup> حرکت در یک سطح دیگر به دور از گوینده S-6 <sup>۴۵</sup>
	ساختمان: <sup>۴۶</sup> B حرکت خارج از ساختمان در جلوی گوینده (که خارج از ساختمان قرار دارد) B-1 <sup>۴۷</sup>

شایان ذکر است قبل از شروع تکلیف از شرکت‌کنندگان خواسته شد به نکات شفاهی در خصوص انجام آزمون توجه نمایند. زبان آموزش

فارسی بود. بر این اساس، از شرکت‌کنندگانی که در مقابل رایانه کیفیت نشسته بودند، درخواست شد تا کلیپ‌های ویدئویی را که رویدادهای حرکتی را به

<sup>41</sup> motion onto the speaker's level across in front of the speaker  
<sup>42</sup> motion onto the speaker's level away from the speaker  
<sup>43</sup> motion onto some other level toward the speaker  
<sup>44</sup> motion onto some other level across in front of the speaker  
<sup>45</sup> motion onto some other level away from the speaker  
<sup>46</sup> Building  
<sup>47</sup> motion out of the building across in front of the speaker (who is outside the building)

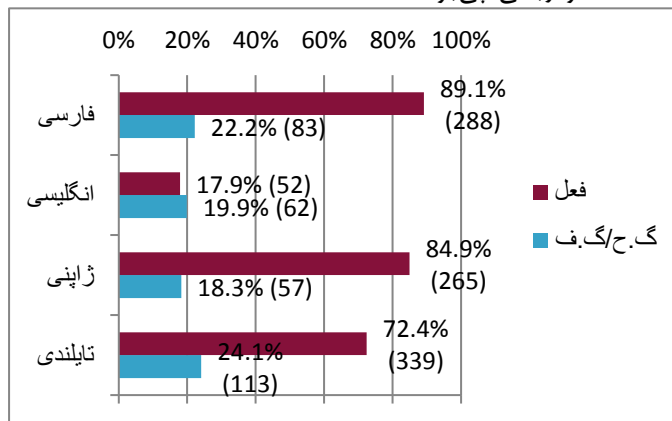
<sup>31</sup> Lawn  
<sup>32</sup> motion toward the speaker  
<sup>33</sup> motion off to a side of the speaker  
<sup>34</sup> motion across in front of the speaker  
<sup>35</sup> Classroom  
<sup>36</sup> motion into the classroom toward the speaker  
<sup>37</sup> motion into the classroom off to a side of the speaker  
<sup>38</sup> motion out of the classroom across in front of the speaker (who is at another door)  
<sup>39</sup> Staircase  
<sup>40</sup> motion onto the speaker's level toward the speaker

تصویر می‌کشد، تماشا کنند. همچنین از آنها خواسته شد که خود را در صحنه رخداد مورد نظر تصور کنند و از آن بُعد یعنی در محل دوربین که صحنه فیلمبرداری شده است را روایت کنند، و همچنین نما را دوست خود تلقی کنند. سپس آنها می‌بایست به محقق بگویند که چه چیزی دارند مشاهده می‌کنند. در نهایت، توضیحات آنها ضبط و برای تجزیه و تحلیل بیشتر رونویسی شد.

آن‌گونه که **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** توضیح داده‌اند کلیپ‌های ویدیویی نه تنها بایستی از نظر جهت حرکت بلکه از نظر دو عامل عملکردی نیز متفاوت باشند. اولین عامل فضای گوینده است: آیا هدف حرکت در فضای گوینده (اتاق، کف یا فضای قابل مشاهده) قرار دارد یا خیر. عامل دوم رفتار تعاملی است: آیا فردی که به عنوان نما حرکت می‌کند هنگام حرکت به سخنگو سلام کرده، لبخند زده است یا خیر.

#### ۲-۴- میزان استفاده از افعال اشاره‌ای، حروف اضافه و سایر عبارات اشاره‌ای در زبان فارسی

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** در قدم نخست به بررسی فراوانی افعال اشاره‌ای و سایر حروف اضافه و همچنین گروه‌های فعلی مرتبط در زبان انگلیسی، ژاپنی و تایلندی پرداخته‌اند. با در نظر گرفتن آمار و ارقامی که آنها برای این سه زبان ارائه کرده‌اند و با محاسبه فراوانی این مؤلفه‌های زبانی در زبان فارسی می‌توان به وضعیت زبان فارسی در خصوص رمزگذاری کلی این عناصر زبانی پی‌برد:



#### شکل ۱. فراوانی استفاده از فعل اشاره‌ای و سایر گروه حرف‌اضافه‌ای و فعلی در زبان فارسی و زبان‌های دیگر

همان‌گونه که در نمودار بالا می‌توان مشاهده کرد سخنوران به شیوه‌ای فراگیر از افعال اشاره‌ای در زبان فارسی استفاده می‌کنند که این موضوع نشان می‌دهد رویکرد رایج در این زبان برای رمزگذاری زمان و مکان کنونی گوینده استفاده از افعال اشاره‌ای است. در این زبان ۸۹٫۱ درصد از توصیفات مربوط با مجموعه کلیپ مورد استفاده تحقیق حاوی افعال اشاره‌ای آمدن و رفتن بودند. این راهکار رمزگذاری اشاره در زبان ژاپنی و تایلندی نیز به چشم می‌خورد، زیرا در این دو زبان نیز سخنوران به ترتیب ۸۴٫۹ درصد و ۷۲٫۴ درصد از افعال اشاره‌ای زبان خود برای بیان اشاره استفاده نموده‌اند، هرچند در مقایسه با فارسی، این اختلاف در زبان تایلندی اندکی بیشتر است. در مقابل سخنوران زبان انگلیسی تنها در ۱۷٫۹ درصد از توصیفات مربوطه از افعال اشاره‌ای استفاده کرده‌اند که این موضوع نشان‌دهنده تفاوت عمده زبان فارسی و انگلیسی در رمزگذاری این مؤلفه زبانی است. تا آنجا که استفاده از سایر حروف اضافه و گروه‌های فعلی مرتبط نشان می‌دهد در زبان فارسی سخنوران تمایل به مراتب کمتری به رمزگذاری اشاره از طریق این عناصر دارند. با در نظر گرفتن نمودار فوق می‌توان به خوبی متوجه این موضوع شد. صرفاً در ۲۲٫۳ درصد توصیفات بررسی‌شده از حروف اضافه و سایر گروه‌های فعلی برای بیان اشاره استفاده شده است. این عدم تقارن نه تنها در فارسی مشاهده شده است، بلکه زبان‌های ژاپنی و تایلندی نیز چنین الگویی را به شکلی کمابیش مشابه نشان می‌دهند. بر این اساس، از دیدگاه عدم تقارن بین استفاده از فعل اشاره‌ای و حروف اضافه/سایرگروه‌های فعلی زبان فارسی با انگلیسی متفاوت است، زیرا در زبان انگلیسی آمار استفاده از هر دو مؤلفه به ترتیب ۱۷٫۹ و ۱۹٫۹ درصد می‌باشد که آماری نزدیک به هم می‌باشند. در زیر مثال‌هایی از زبان فارسی آورده شده است:

اینجا مرده داره میره اون سمت.

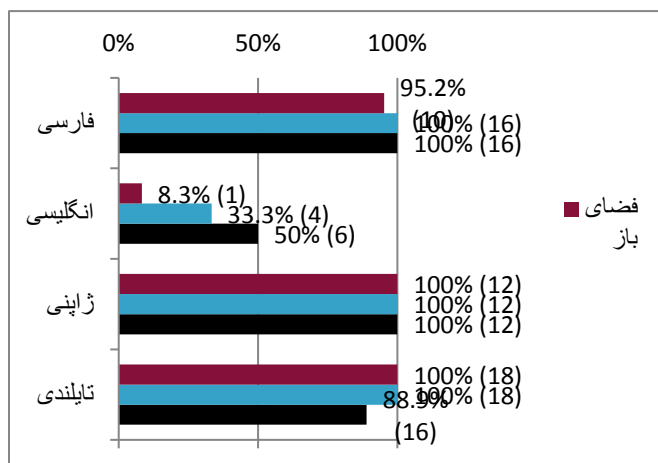
توی این فیلم مرده داره از پله‌ها میاد پایین.

اینجا این زنه میاد سمت من.

اینجا مرده داره میبره پایین از پله‌ها.

همان‌طور که در مثال‌های فوق می‌توان دید در مثال‌های (۱۱) و (۱۲) گوینده از فعل اشاره‌ای «رفتن» و در مثال (۱۳) از فعل





تصویر ۳. آمار گزارش شده در خصوص رمزگذاری افعال اشاره‌ای در شرایط حضور یا عدم حضور فضای گوینده

تصویر فوق اطلاعاتی در خصوص میزان استفاده از فعل اشاره-ای در فضای باز، داخل اتاق و همچنین پله در زبان فارسی به دست می‌دهد. آن گونه که آمار بالا نشان می‌دهد در زبان فارسی مشارکت‌کنندگان تحقیق برای بیان رخداد حرکتی در فضای باز به میزان بالایی (۹۵٫۲ درصد) از افعال اشاره‌ای استفاده کرده‌اند، هرچند که این میزان استفاده در مقایسه با ژاپنی و تایلندی که هر دو در ۱۰۰ درصد موارد از افعال اشاره‌ای استفاده کرده‌اند مقداری کمتر می‌باشد ولی در مقایسه با انگلیسی تفاوت بالایی را نشان می‌دهد. در خصوص اتاق و پله‌ها مشارکت‌کنندگان تحقیق در ۱۰۰ درصد موارد از افعال اشاره‌ای استفاده کرده‌اند که در این خصوص فارسی با ژاپنی برابر است هر چند که تایلندی در خصوص اولین مورد ۱۰۰ درصد از افعال اشاره‌ای استفاده کرده اما به میزان کمتری (۸۸٫۹ درصد) از این افعال را در فضای پله‌ها استفاده نموده است. همانند زیرآزمون پیشین زبان انگلیسی در هر سه مورد به مراتب به میزان کمتری از افعال اشاره‌ای بهره برده است که این موضوع تفاوت این زبان با فارسی را نشان می‌دهد. برای نمونه در اغلب موارد برای ورود یا خروج از اتاق مشارکت-کنندگان فارسی ترجیح می‌دادند از بیرون رفتن یا داخل آمدن استفاده نمایند که این موضوع بیانگر تمایل فارسی‌زبانان به استفاده از افعال اشاره‌ای در رمزگذاری رخدادها حرکتی موصوف در خصوص اتاق بودند.

#### ۳-۲-۴- فضای گوینده ۱: کلاس

نکته اساسی در خصوص این بخش باز یا بسته بودن فضا می‌باشد که در زیر طرح‌واره‌های مربوطه بازنمایی شده‌اند.

الف. حرکت به آرامی از کنار گوینده در فضای باز

ب. حرکت به آرامی از کنار گوینده در فضای بسته

اشاره‌ای «آمدن» برای توصیف رویدادهای مربوطه استفاده کرده است. در مواردی محدودتر همانند مثال (۱۴) سخنوران به استفاده از سایر گروه‌های فعلی حرکتی مانند «پردن» برای توصیف رخداد مذکور تمایل نشان داده‌اند.

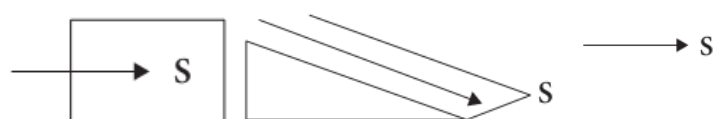
#### ۳-۴- کاربرد افعال اشاره‌ای آمدن و رفتن در بافت‌های مختلف در زبان فارسی و زبان‌های دیگر

همان گونه که در جدول ۱ نشان داده شد در این تحقیق بافت-های فیزیکی و رخدادها حرکتی متفاوتی که مستعد رمزگذاری اشاره و عبارات اشاره‌ای هستند (ماتسوموتو و همکاران، ۲۰۱۷) مورد استفاده قرار گرفته‌اند که شامل موارد زیر می‌باشند: حضور یا عدم حضور فضای گوینده<sup>۴۸</sup>، فضای گوینده ۱: کلاس، فضای گوینده ۲: سطوح راه‌پله‌ها و فضای گوینده ۳: فضای مرئی. بر اساس هرکدام از این موارد رخدادها حرکتی‌ای طراحی شده‌اند که میزان استفاده از افعال اشاره‌ای و سایر گروه‌ها را به ما نشان می‌دهند.

#### ۳-۴-۱- حضور یا عدم حضور فضای گوینده

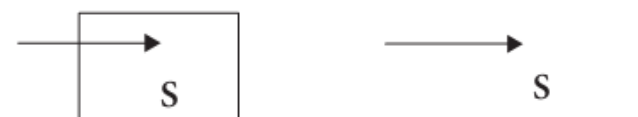
با تبعیت از ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) برای این مؤلفه از صحنه‌های زیر استفاده خواهیم کرد. لازم به توضیح است که در هر مورد آمار زبان فارسی را با آمار سایر زبان‌ها یعنی انگلیسی، ژاپنی و تایلندی مقایسه می‌کنیم تا از این طریق به جایگاه زبان فارسی در بین این زبان‌ها پی ببریم.

الف. فضای باز      ب. کلاس      ج. پله



#### تصویر ۲. طرح‌واره‌های به کار رفته در خصوص حضور یا عدم حضور فضای گوینده

تصویر «الف» حرکت به سمت گوینده در یک فضای باز را تداعی می‌کند، تصویر «ب» حرکت به سمت گوینده در فضای او را نشان می‌دهد و تصویر «ج» حرکت به پایین سطح گوینده را به تصویر می‌کشد. در رخدادها مورد وصف، نما ممکن است حین حرکت سلام کند و یا لبخند بزند که این موضوع می‌تواند جنبه تعاملی احتمالی را برای ما روشن سازد.



<sup>48</sup> Speaker= S

اینجا (نما) از کنار رد شد.

در مثال شماره (۱۵) برای توصیف حرکت نما که محذوف است از فعل اشاره‌ای «رفتن» استفاده شده است و مربوط به فضای بسته است. در مثال (۱۶) مشارکت‌کننده از فعل مرکب «رد شدن» برای توصیف رخداد حرکتی استفاده کرده است که اشاره‌ای نمی‌باشد.

#### ۴-۳-۳- فضای گوینده ۲: سطح پله‌ها

برای این قسمت مجموعاً شش صحنه S1-S6 در نظر گرفته شده‌اند که برای سهولت در فهم آنها در طرح‌واره‌های زیر نشان داده شده‌اند. لازم به ذکر است که در این صحنه‌های حرکتی نما یا به سمت گوینده یا به شکلی خنثی و یا با دور شدن از گوینده همراه است.

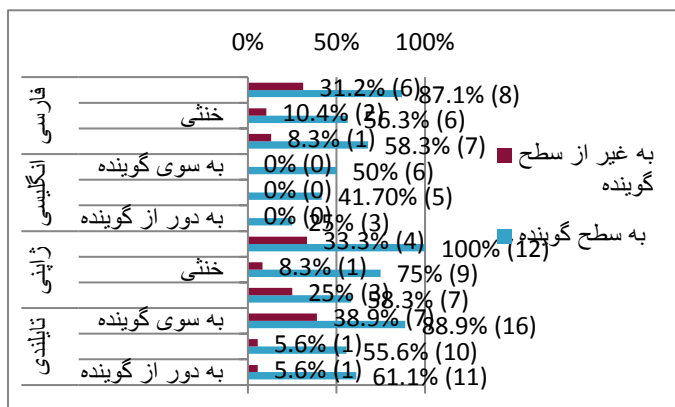
الف. حرکت به سطح گوینده

ب. حرکت به یک سطح دیگر



#### تصویر ۶. طرح‌واره‌های مورد استفاده در خصوص پله‌ها

در زیر یافته‌های مربوط به میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در هر سه حالتی که پیش‌تر ذکر شد در زبان فارسی ارائه شده است و همچون بخش‌های پیشین آمار و ارقام مربوط به زبان‌های ژاپنی، انگلیسی و تایلندی نیز ضمن ارائه با فارسی مقایسه خواهد شد.



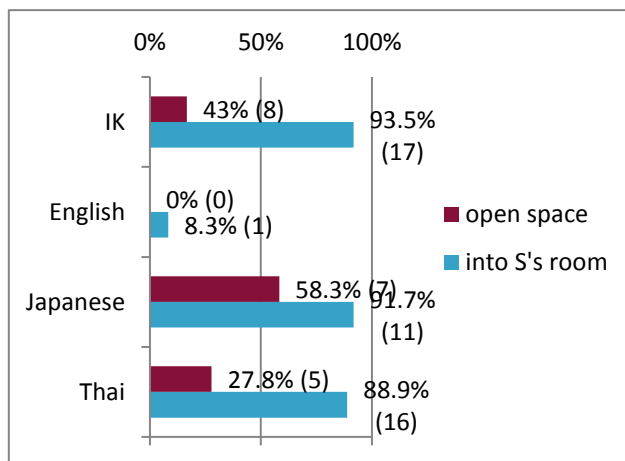
#### تصویر ۷. آمار گزارش‌شده در خصوص رمزگذاری افعال

##### اشاره‌ای در رخداد‌های همسطح و غیرهمسطح

بررسی نمودار فوق نشان می‌دهد که در زبان فارسی هرکدام از عوامل نزدیک شدن نما به گوینده، خنثی بودن نما و همین‌طور دور شدن از گوینده می‌تواند بر روی میزان استفاده

#### تصویر ۴. طرح‌واره‌های مورد استفاده در خصوص فضای باز و بسته

بنابر طرح‌واره‌های فوق در این بخش قصد داریم تفاوت احتمالی سخنوران فارسی‌زبان در مورد میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در فضای باز و بسته را مورد بررسی قرار دهیم. همچنین در این بخش نتایج آماری را با زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و تایلندی مقایسه خواهیم نمود.

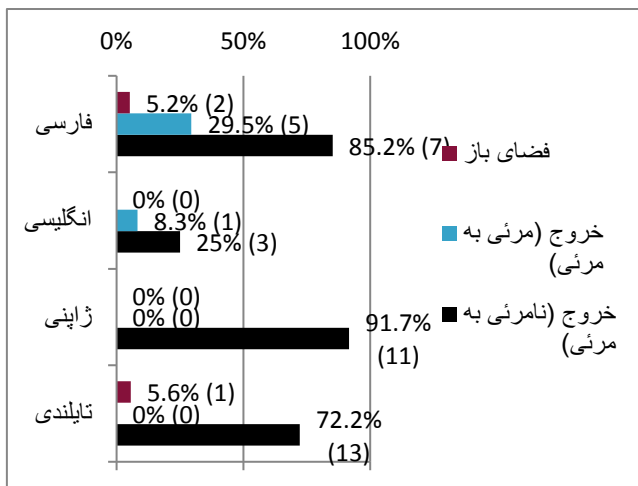


#### تصویر ۵. آمار گزارش‌شده در خصوص رمزگذاری افعال

##### اشاره‌ای در فضای آزاد و بسته

بر اساس تصویر فوق، مشارکت‌کنندگان فارسی‌زبان تمایل بسیار بیشتری دارند تا رخداد‌های حرکتی اشاره‌ای را با افعال اشاره‌ای در فضای بسته توصیف کنند و این میزان تمایل در خصوص فضای باز به مراتب کمتر است. تا آنجا که آمار و ارقام مربوط به فارسی نشان می‌دهد در این زبان در ۹۳٫۵ درصد از موارد فضای بسته مشارکت‌کنندگان تحقیق تمایل به استفاده از افعال اشاره‌ای داشته‌اند که این میزان به ژاپنی و تایلندی نیز تقارب دارد، اما در زبان انگلیسی تنها در ۸٫۳ درصد موارد سخنوران از چنین افعالی استفاده کرده‌اند. درصد استفاده از افعال اشاره‌ای در خصوص فضای آزاد نیز ۴۳ درصد می‌باشد که کمابیش مشابه ژاپنی و متفاوت‌تر از تایلندی است این تفاوت در خصوص زبان انگلیسی (۰ درصد) و فارسی بسیار چشمگیرتر است. دو مثال زیر از زبان فارسی می‌تواند موضوع را روشن‌تر کند:  
اینجا دوستم داره میره.

طرح‌واره «الف» و «ب» نما در طول حرکت برای گوینده قابل رویت است، حال آنکه نما در طرح‌واره «ج» در ابتدا و درون فضای بسته نامرئی و سپس در فضای باز مرئی می‌شود. در زیر یافته‌های مربوط به زبان فارسی و سایر زبان‌ها ارائه شده است.



**تصویر ۹. آمار گزارش شده در خصوص رمزگذاری افعال اشاره‌ای در فضای باز، خروج مرئی به مرئی و خروج نامرئی به مرئی**

آنچه که می‌توان از نمودار فوق استنباط کرد این است که فضای باز تا حد بسیار کمی می‌تواند در فارسی محرک استفاده از افعال اشاره‌ای باشد. در این زبان میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در خصوص فضای باز ۵,۲ درصد که شباهت زیادی با تایلندی دارد، اما این میزان در انگلیسی و ژاپنی ۰ درصد می‌باشد. همچنین مرئی شدن نما برای گوینده نیز عامل بسیار مهمی تلقی می‌شود و چنان‌که مشاهده می‌کنیم در زبان فارسی اگر نما به شکلی مرئی از ابتدا تا انتهای حرکت (از درون فضای بسته با باز) ظاهر شود میزان استفاده از افعال اشاره‌ای برابر با ۲۹,۵ درصد است که از انگلیسی، ژاپنی و همین‌طور تایلندی بیشتر است. اما در صورتی که نما در فضای بسته نامرئی باشد و سپس در فضای باز برای گوینده مرئی شود این میزان به ۸۵,۲ درصد می‌رسد که این تضاد در خصوص تایلندی و ژاپنی نیز صدق می‌کند. دو مثال زیر که از توصیفات مشارکت-کنندگان استخراج شده‌اند این موضوع را به خوبی نشان می‌دهند:

اینجا مرده داره رد میشه.

اینجا مرده از تو ساختمونه اومد بیرون.

در مثال (۱۷) نما از ابتدا تا انتهای حرکت برای گوینده مرئی بوده است، بنابراین مشارکت‌کننده برای توصیف رخداد از فعل حرکتی غیراشاره‌ای «رد شدن» استفاده کرده است. اما در مثال

از افعال اشاره‌ای «آمدن» و «رفتن» تأثیرگذار باشد. تا آنجا که مؤلفه نزدیک شدن به گوینده در زبان فارسی مدنظر می‌باشد میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در رخدادهایی که به همسطح شدن با گوینده منجر می‌شوند یا فاصله می‌گیرند به ترتیب ۸۷,۱ و ۳۱,۲ درصد می‌باشد که این موضوع نشان می‌دهد که همسطح شدن با گوینده محرک قوی‌تری برای استفاده از افعال اشاره‌ای در فارسی می‌باشد. از این حیث زبان فارسی با زبان تایلندی و ژاپنی قرابت دارد و میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در رخدادهای همسطح انگلیسی نیز در قیاس با سایر مؤلفه‌های پیشین به فارسی کمابیش نزدیک‌تر است. این موضوع که حرکت به شکلی خنثی صورت بگیرد یا خیر نیز با همسطح شدن یا نشدن نما در ارتباط می‌باشد. میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در رخدادهای خنثی که در نهایت به همسطح شدن نما منجر می‌شود یا نمی‌شود نیز به ترتیب ۵۶,۳ و ۱۰,۴ درصد می‌باشد که الگوی نسبتاً مشابهی را در قیاس با ژاپنی و تایلندی نشان می‌دهد. در خصوص مؤلفه فاصله گرفتن از گوینده نیز نتایج آماری نشان می‌دهد که در فضای همسطح و غیرهمسطح این میزان برای فارسی به ترتیب ۵۸,۳ و ۸,۳ درصد می‌باشد که در مورد دوم (غیرهمسطح) با ژاپنی برخلاف قبل تفاوت نسبتاً بیشتری را نشان می‌دهد.

#### ۴-۳-۴ فضای گوینده ۳: فضای مرئی

سوآلی که در این بخش حائز اهمیت است به قابلیت رویت نما در رویداد حرکتی مربوط می‌شود. سوآل این است که آیا قابل رویت بودن یا نبودن نما می‌تواند بر میزان استفاده از افعال اشاره‌ای در فارسی تأثیر بگذارد یا خیر. طرح‌واره‌های زیر نحوه حرکت نما از لحاظ قابل رویت بودن یا نبودن برای گوینده را به تصویر می‌کشند.

الف. حرکت در فضای باز  
ب. خروج مرئی-  
ج. نامرئی-به-مرئی<sup>۵۰</sup>  
به-مرئی<sup>۴۹</sup>



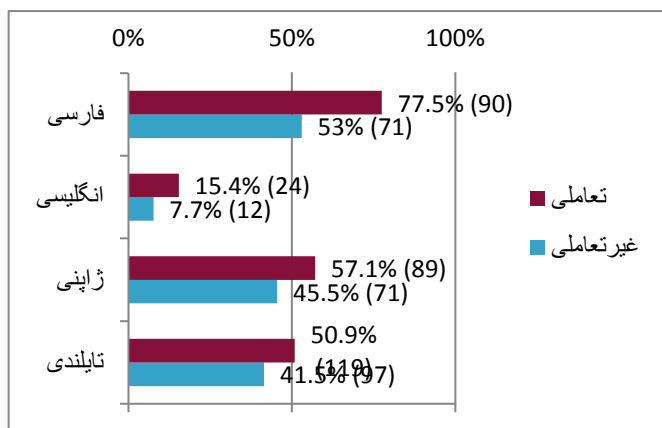
**تصویر ۸. طرح‌واره‌های مورد استفاده در خصوص مرئی بودن یا نبودن نما**

طرح‌واره «الف» نما را در حالی نشان می‌دهد که در فضایی باز از کنار گوینده رد می‌شود درحالی‌که دو طرح‌واره دیگر رویدادهای حرکتی را در فضای بسته نشان می‌دهند. در مورد

<sup>50</sup> Invisible-to-visible exiting

<sup>49</sup> Visible-to-visible exiting

رویدادها که به پایین آمدن نما با و بدون رفتار تعاملی مربوط است می‌پردازیم و نتایج حاصل از بررسی فارسی را به همراه سایر زبان‌ها ارائه می‌نماییم.

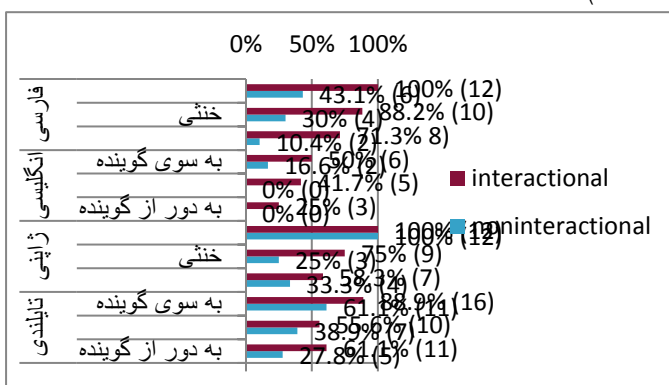


**تصویر ۱۱. آمار گزارش شده در خصوص رمزگذاری افعال اشاره‌ای در رخدادهای تعاملی و تعاملی مرتبط با صحنه پله**  
 در نمودار فوق نما درحالی که به گوینده نزدیک می‌شود، خنثی است و یا از گوینده دور می‌شود در هر دو رخداد تعاملی و غیرتعاملی مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه که در یک نگاه کلی می‌توان دریافت این است که تعاملی بودن نما می‌تواند بر تصریح فعل اشاره‌ای آمدن و رفتن تأثیرگذار باشد. در مورد رخدادهایی که به گوینده نزدیک می‌شوند در رویدادهای تعاملی و غیرتعاملی میزان استفاده از فعل اشاره‌ای به ترتیب ۱۰۰ و ۴۱٫۳ درصد می‌باشد که از لحاظ رویدادهای تعاملی زبان فارسی برابر با ژاپنی و کمابیش نزدیک به تایلندی می‌باشد. در این خصوص رویداد غیرتعاملی مذکور زبان فارسی قرابت بیشتری با تایلندی دارد و از این حیث زبان ژاپنی غنی‌تر ظاهر شده است. در خصوص رخدادهای خنثی نیز میزان استفاده از افعال اشاره‌ای با و بدون رفتار تعاملی به ترتیب ۸۸٫۲ و ۳۰ درصد محاسبه شده است که از این حیث فارسی با ژاپنی (به ترتیب ۷۵ و ۲۵ درصد برای رخداد تعاملی و غیرتعاملی) تشابه بیشتر نشان داده است. و نهایتاً در مورد رخدادهای حرکتی‌ای که طی آن نما از گوینده دور می‌شوند می‌توان به میزان رمزگذاری فعل اشاره‌ای در رخدادهای تعاملی و غیرتعاملی اشاره نمود. در زبان فارسی میزان استفاده از چنین افعال در هر دو مورد به ترتیب ۷۱٫۳ و ۱۰٫۴ درصد است که به نسبت درصدهای گزارش شده برای رخدادهای نزدیک‌شونده و خنثی در خود زبان فارسی کمتر است. درصد گزارش شده در خصوص

بعدی نما هنگام خروج از ساختمان برای گوینده مرئی شده است که این موضوع سبب استفاده از عبارت اشاره‌ای «بیرون آمدن» شده است.

#### ۴-۳-۵- رفتار تعاملی نما در رخداد حرکتی

همان‌طور که پیش‌تر اشاره گردید، در این پژوهش تلاش خواهیم کرد که تأثیر احتمالی رفتار تعاملی نما طی رویداد حرکتی بر رمزگذاری فعل اشاره‌ای مورد بررسی قرار گیرد. به همین دلیل رخدادهای حرکتی مربوطه که در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرند، یک بار بدون رفتار تعاملی و بار دیگر به همراه رفتار تعاملی نما ساخته شده‌اند تا تضاد احتمالی بین این دو مشخص شود. در کلیپ‌هایی که حاوی رفتار تعاملی می‌باشند، نما همواره دارای یک رفتار تعاملی مانند لیخنند زدن یا سلام کردن به گوینده نیز می‌باشد (ماتسوموتو و همکاران، ۲۰۱۷).



#### تصویر ۱۰. آمار گزارش شده در خصوص رمزگذاری افعال اشاره‌ای در رخدادهای تعاملی و غیرتعاملی

بر اساس نمودار فوق تعاملی بودن رفتار نما می‌تواند عاملی تأثیرگذار در رمزگذاری افعال اشاره‌ای در زبان فارسی باشد، زیرا مشارکت‌کنندگان هنگامی که نما چنین رفتاری را از خود بروز نمی‌دهد در ۵۳ درصد موارد فعل اشاره‌ای آمدن یا رفتن را رمزگذاری کرده‌اند درحالی که نما با رفتار تعاملی این میزان را به ۷۷٫۵ درصد افزایش داده است. لازم به توضیح است از حیث رخدادهای فاقد رفتار تعاملی زبان فارسی بیشتر مشابه ژاپنی و انگلیسی است اما با بررسی رخدادهای حاوی رفتارهای تعاملی اختلاف فارسی با ژاپنی (۵۷٫۱ درصد) کمتر از تایلندی (۵۰٫۹ درصد) می‌باشد. بیشتر میزان تفاوت مربوط به زبان فارسی و انگلیسی می‌باشد که ظاهراً به دلیل عدم گرایش کلی انگلیسی به رمزگذاری افعال اشاره‌ای در زبان می‌باشد. پیرو ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷) در ادامه به بررسی یکی از

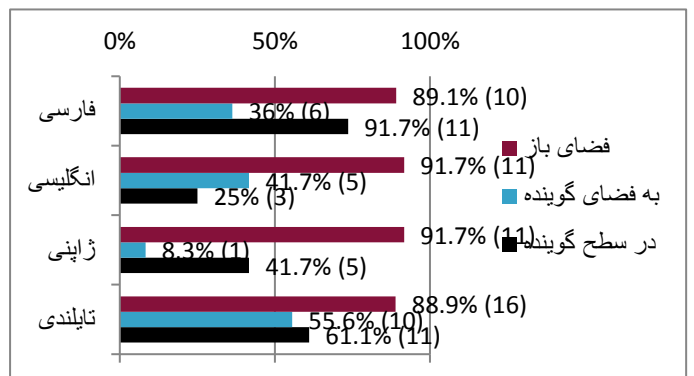
رخدادهای دورشونده در رفتارهای تعاملی شباهت بیشتری با تایلندی و ژاپنی دارد.

#### ۴-۳-۶- به کارگیری سایر گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی برای مفهوم اشاره در فارسی

همان‌طور که پیش‌تر گفتیم در زبان فارسی دو فعل «آمدن» و «رفتن» به‌عنوان عناصر هسته‌ای به‌منظور رمزگذاری مفهوم اشاره به کار برده می‌شوند اما در عین حال گاهی عناصر دیگر مانند گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی می‌توانند چنین نقشی را ایفا کنند و یا مفهوم مورد نظر را به همراه فعل اشاره‌ای اصلی تقویت نمایند. در این بخش با تبعیت از **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که در فضای باز، در فضای گوینده و همسطح با گوینده (به‌لحاظ فیزیکی) به چه میزان گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی رمزگذاری می‌شوند. با بررسی توصیفات مشارکت‌کنندگان در خصوص رخدادهای حرکتی مذکور می‌توان دریافت که برخی از گروه‌های حرف-اضافه‌ای و همچنین فعلی می‌توانند به همراه افعال اشاره‌ای یا بدون حضور آن فارسی به کار روند. به مثال‌های زیر توجه نمائید:

اینجا این دوستمه که داره سمت من قدم میزنه.  
اینجا این مرده داره از تو خونه درمیا.  
زنه داره لبخند میزنه و میره تو ساختمون.

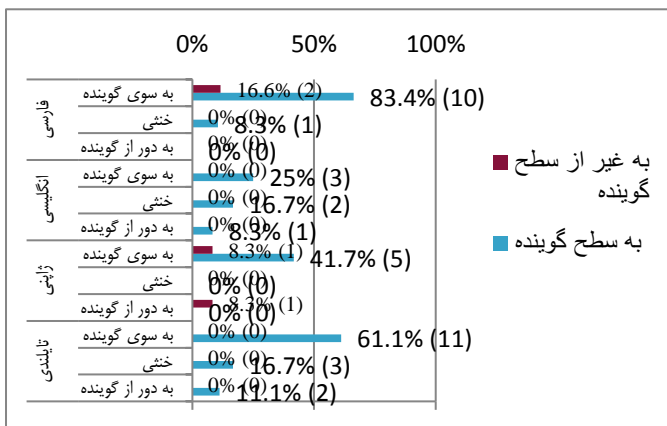
در مثال (۱۹) از فعل اشاره‌ای اصلی رفتن یا آمدن استفاده نشده است اما فعل ترکیبی «قدم زدن» را می‌توان به‌لحاظ مفهومی اشاره‌ای در نظر گرفت، زیرا در این مورد خاص معنای «رفتن» را تداعی کرده است. لازم به توضیح است که در این مثال همچنین از گروه حرف اضافه‌ای سمت من برای تکمیل معنای اشاره‌ای بهره برده شده است. از طرف دیگر مثال‌های (۲۰) و (۲۱) به ترتیب حاوی افعال اشاره‌ای *آمدن* و *رفتن* هستند که جزء فعلی «در» و حرف اضافه «تو(ی)» معنای اشاره‌ای را تکمیل می‌نمایند. در زیر میزان استفاده زبان فارسی از حروف اضافه و گروه‌های فعلی در مقایسه با سه زبان دیگر آورده شده است.



#### تصویر ۱۲. آمار گزارش‌شده در خصوص رمزگذاری گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی در فضای باز، بسته و همسطح با گوینده

الگوهای استفاده از گروه‌های حرف اضافه‌ای در فضای باز در زبان فارسی ۸۹,۱ درصد است که با هر سه زبان انگلیسی، ژاپنی و تایلندی تشابه دارد. در مقابل در فضای بسته این میزان به ۳۶ درصد کاهش یافته است که این روند کاهش در خصوص انگلیسی و تایلندی کمابیش مشابه دیده می‌شود اما در زبان ژاپنی این کاهش چشمگیرتر دیده می‌شود. همچنین تا آنجا که به همسطح شدن فیزیکی نما با گوینده مربوط می‌شود این میزان در زبان فارسی ۹۱,۷ درصد و در سه زبان دیگر یعنی انگلیسی، ژاپنی و تایلندی به ترتیب ۲۵، ۴۱,۷ و ۶۱,۱ درصد گزارش شده است که از این حیث تفاوت فارسی با تایلندی در مقایسه با ژاپنی و علی‌الخصوص انگلیسی کمتر است.

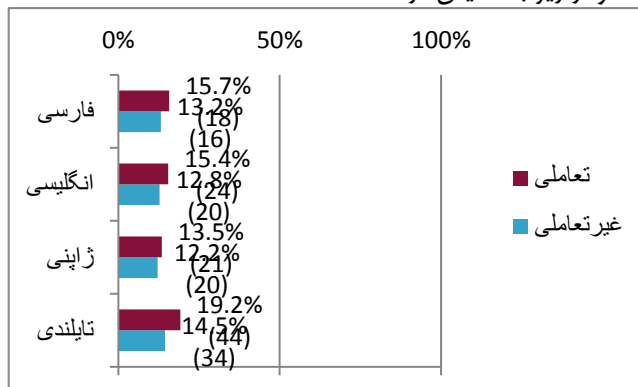
علاوه بر موارد فوق صحنه‌های S1-S6 نیز می‌توانند در خصوص بررسی میزان استفاده از گروه‌های حرف اضافه‌ای و



#### تصویر ۱۳. آمار گزارش‌شده در خصوص رمزگذاری گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی در خصوص صحنه‌های S1-S6

در نمودار فوق می‌توان میزان تصریح گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی را در رخدادهایی که در آن نما نزدیک شونده، خنثی و دور شونده است مورد بررسی قرار داد. در مورد نخست هنگامی که رخداد حرکتی به همسطحی با گوینده منجر می‌شود فراوانی استفاده از گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی ۸۳,۴ درصد می‌باشد و در مورد رخدادهای خنثی و دورشونده این فراوانی به ترتیب ۸,۳ و ۰ درصد می‌باشد. از حیث مورد اول زبان فارسی کمابیش به زبان تایلندی مشابهت دارد. در خصوص بررسی همین رخدادها زمانی که نما به همسطحی با گوینده منجر نمی‌شود، می‌توان چنین ارقامی را در نمودار فوق مشاهده نمود. به ترتیب برای رخدادهای نزدیک شونده، خنثی و دورشونده آمار ۱۶,۶،

۰ و ۰ درصد به دست آمده است که این روند کاهشی تقریباً در هر سه زبان دیگر نیز قابل مشاهده می‌باشد. در نهایت بایستی مشخص سازیم که در تمام رخدادهای تعاملی و غیرتعاملی حروف اضافه و گروه‌های فعلی به چه میزانی به کار رفته‌اند که این موضوع در خصوص زبان‌های مورد وصف در نمودار زیر به نمایش درآمده است.



**تصویر ۱۴. آمار گزارش شده در خصوص رمزگذاری گروه‌های حرف اضافه‌ای و فعلی در رخدادهای تعاملی و غیرتعاملی**  
با بررسی نمودار فوق درمی‌یابیم که تعاملی بودن یا نبودن رخداد حرکتی به صورت عام چندان در رمزگذاری حروف اضافه و گروه‌های فعلی تأثیرگذار نیست که این موضوع هم‌راستا با ایده **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** می‌باشد. در زبان فارسی اگر نما در رخداد حرکتی رفتار تعاملی داشته باشد میزان استفاده از مؤلفه‌های مذکور ۱۵٫۷ درصد بوده و در غیر این صورت این فراوانی ۱۳٫۲ درصد می‌باشد. لازم به ذکر است که زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و تایلندی نیز الگوهای استفاده مشابهی را نشان می‌دهند.

#### ۵- نتیجه‌گیری

در این تحقیق تلاش نمودیم که افعال اشاره‌ای و عبارات مربوط به این مفهوم را در زبان فارسی به شیوه‌ای مقایسه‌ای مورد بررسی قرار دهیم. با تبعیت از **ماتسوموتو و همکاران (۲۰۱۷)** برای استخراج داده‌های مربوط به اشاره در زبان فارسی از یک مجموعه فیلم کوتاه هدفمند استفاده نمودیم و در صحنه‌های مختلف مانند حرکت در فضای باز و بسته، حرکت به سمت گوینده یا خلاف آن و حرکت به همراه رفتار تعاملی نما میزان استفاده از افعال اشاره‌ای و سایر عبارات مربوط را مورد سنجش قرار دادیم و در هر مورد مقایسه‌هایی با زبان‌های انگلیسی، ژاپنی و تایلندی (**ماتسوموتو و همکاران، ۲۰۱۷**) انجام دادیم. آن‌چنان که در بخش‌های پیشین دریافتیم مفهوم

اشاره در زبان فارسی عمدتاً از طریق دو فعل *آمدن* و *رفتن* رمزگذاری می‌شود و این شیوه را می‌توان اصلی‌ترین راهکار برای رمزگذاری این مفهوم در بافت‌های فیزیکی مختلف اعم از رخدادهای نزدیک‌شونده، دورشونده و همین‌طور خنثی در فضای باز یا بسته قلمداد کرد. از آنجاکه مسیر حرکت در زبان فارسی اغلب از طریق عناصر بیرون از ستاک فعلی بیان شده، اما اشاره به همراه شیوه حرکت در هسته فعلی رمزگذاری می‌شود می‌توان دیدگاه **ماتسوموتو (۲۰۱۷)** که بین مؤلفه مسیر و اشاره تمایز قائل می‌شود را در خصوص زبان فارسی پذیرفت. لازم به ذکر است که در این زبان علاوه بر این دو فعل از مؤلفه‌های دیگر مانند حروف اضافه و جزء فعلی برای کمک به رمزگذاری اشاره به همراه خود فعل اشاره‌ای یا سایر افعالی که مفهوم اشاره را تداعی می‌کنند استفاده می‌شود. تا آنجا که داده‌های زبان فارسی نشان می‌دهند در این زبان رفتار تعاملی نما به همراه مؤلفه مرئی بودن می‌تواند بر میزان فراوانی استفاده از افعال اشاره‌ای تأثیر داشته باشد اما این موضوع در خصوص سایر مؤلفه‌های اشاره‌ای صدق نمی‌کند.

یادداشت‌ها

\* کتاب تصویری مذکور شامل مجموعه‌ای از تصاویر بدون نوشته است که داستان یک پسر و سگ در جستجوی قورباغه را به تصویر می‌کشد. این داستان شامل ۲۹ رویداد است که به‌طور بالقوه می‌توان آن‌ها را بر اساس حرکت توصیف کرد، مانند بیرون آمدن قورباغه از کوزه، بیرون آمدن جغد از درخت، و آهویی که با پسری روی سرش به سمت صخره می‌دود.

#### منابع

- کارول، لوئیس. (۱۸۶۵). *آلیس در سرزمین عجایب*. ترجمه شده توسط سمیه، نصرالهی. تهران: انتشارات مهرگان خرد. (۱۳۹۴).
- Akita, K. & Matsumoto, Y. 2020. A fine-grained analysis of manner salience: Experimental evidence from Japanese and English. In Y. Matsumoto & K. Kawachi (Eds.), *Broader Perspectives on Motion Event Descriptions* (pp. 143–180). Doi: 10.1075/hcp.69.05aki

- in Japanese, English, German, and Russian: A comparative study using translation corpora]. In Y. Matsumoto (Ed.), *Idoo-hyoogen no ruikeiron* [The typology of motion expressions] (303–336). Tokyo: Kurosio.
- Matsumoto, Y., and Kawachi, K. 2017. Introduction: Motion event descriptions in broader perspective. In: I. Ibarretxe-Antuñano (ed.), *Motion and Space across Languages. Theory and Applications*, Amsterdam: John Benjamins, 1-22.
- Matsumoto, Y., K. Akita & K. Takahashi 2017. The functional nature of deictic verbs and the coding patterns of Deixis: An experimental study in English, Japanese and Thai. In: I. Ibarretxe-Antuñano (ed.), *Motion and Space across Languages. Theory and Applications*, Amsterdam: John Benjamins, 95-122.
- Matsumoto, Y. 2013. Determinants of Manner, Path, and Deixis saliency across languages. Paper presented at International Workshop SYLEX III: Space and Motion across Languages and Applications. University of Zaragoza, Zaragoza, Spain, 21 November 2013.
- Matsumoto, Y. 2017. *Idoo-hyoogen no ruikei ni kansuru kadai* [Issues concerning the typology of motion event descriptions]. In Y. Matsumoto (Ed.), *Idoo-hyoogen no ruikeiron* [The typology of motion expressions] (1–24). Tokyo: Kurosio.
- Matsumoto, Y. 2018. Motion event descriptions in Japanese: Typological perspectives. In P. Pardeshi & T. Kageyama (Eds.), *Handbook of Japanese contrastive linguistics* (273–289). Berlin: Mouton de Gruyter.
- Bennett, D. C. 1975. *Spatial and temporal uses of English prepositions: An essay in stratificational semantics*. London: Longman.
- Blomberg, J. 2014. The expression of non-actual motion in Swedish, French and Thai. *Cognitive Linguistics*, 26(4), 657–696.
- Craig, C. G. 1993. Jakaltekt directionals: Their meaning and discourse function. *Languages of the World*, 7, 23–36.
- Dewell, R. B. 2015. *The semantics of German verb prefixes*. Amsterdam: John Benjamins. <https://doi.org/10.1075/hcp.49>
- Eguchi, K. 2017. Patterns of deictic expressions in Hungarian motion event descriptions reference. In: I. Ibarretxe-Antuñano (ed.), *Motion and Space across Languages. Theory and Applications*, Amsterdam: John Benjamins, 41-62.
- Fillmore, C. J. 1997. *Lectures on deixis*. Stanford: CSLI Publications.
- Jackendoff, R. 1983. *Semantics and cognition*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Karimipour, A. & Sharifi, Sh. 2021. An experimental study on deictic verbs and the coding patterns of deixis in Ilami Kurdish: A Comparative Study. *Studia Linguistica Universitatis Iagellonicae Cracoviensis* (= *SLing*). 138(4):159-186.
- Kawachi, K. 2014. Patterns of expressing motion events in Kupsapiny. In O. Hieda (Ed.), *Recent advances in Nilotic linguistics* (103–136). Tokyo: Research Institute for Languages and Cultures of Asia and Africa, Tokyo University of Foreign Studies.
- Koga, H. 2017. *Niti-ei-doku-ro-go no ziritu-idoohyoogen: Taiyaku-koopasu o motiita hikaku-kenkyuu* [Self-motion expressions

- Zlatev, J. 2007. Spatial semantics. In H. Cuyckens & D. Geeraerts (Eds.), *The Oxford handbook of cognitive linguistics* (318–50). Oxford: Oxford University Press.
- Zlatev, J., & Yangklang, P. 2004. A third way to travel: The place of Thai and serial verb languages in motion event typology. In S. Strömqvist & L. Verhoeven (Eds.), *Relating events in narrative: Typological and contextual perspectives* (159–190). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associate.
- <https://doi.org/10.1515/9781614514077-010>
- Mayer, M. (1969). *Frog, where are you?* New York: Dial Press.
- Takahashi, K. 2017. Tai-go no idoo-hyoogen [Motion expressions in Thai]. In Y. Matsumoto (Ed.), *Idoo-hyoogen no ruikeiron* [The typology of motion expressions]. Tokyo: Kurosio.
- Talmy, L. 2000. *Typology and process in concept structuring (Toward a cognitive semantics, vol. 2)*. Cambridge–London: The MIT Press.
- Talmy, L. 1985. Lexicalization patterns: semantic structure in lexical form. In: T. Shopen (ed.), *Language Typology and Syntactic Description, Vol. 3: Grammatical Categories and the Lexicon*, 36–149. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thepkanjana, Kinkarn. 1986. Serial verb construction in Thai. Doctoral dissertation, University of Michigan.
- Verkerk, A. 2014. The correlation between motion event encoding and path verb lexicon size in the Indo-European language family. *Folia Linguistica Historica*, 35, 307–358. <https://doi.org/10.1515/flih.2014.009>
- Wälchli, B., & Sölling, A. 2013. The encoding of motion events: Building typology bottom-up from text data in many languages. In J. Goschler & A. Stefanowitsch (Eds.), *Variation and change in the encoding of motion events* (77–113). Amsterdam: John Benjamins. <https://doi.org/10.1075/hcp.41.04w2281>